



## تحلیل مفهوم و تفاوت‌های جرایم شدید از اشد

محمد جوانمردی<sup>۱</sup>

حسین آقایی میبدی<sup>۲</sup>

محمد علی مهدوی ثابت<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۰۷/۲۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۰۳/۰۲

### چکیده

شناخت مفهوم جرایم شدید و اشد و نیز تعیین ملاک‌های تشخیص این جرایم از یکدیگر، اثرات مهمی دارد. در این مقاله، به ذکر اشکال تشدید جرم پرداخته شده است. تعدد جرایم ارتكابی، نوع رفتار ارتكابی، شخصیت بزه دیده و شرایط و اوضاع و احوال ارتكاب جرم همگی در تشدید یا تخفیف جرم موثر است و می‌تواند در مواردی موجب تشدید جرم گردد. ملاک‌های تشخیص این جرایم از یکدیگر نیز از مهم‌ترین موارد مذکور در این پژوهش است. در نگاه اول میزان مجازات تعیین شده برای جرایم ارتكابی ملاک تشخیص شدت مجازات‌ها است. هر چند این ملاک تا حدود زیادی کاربردی، ساده و کارگشا است ولیکن برای تشخیص تمامی موارد کافی نیست. شیوه ارتكاب جرم و ارزش مورد حمایت قانون‌گذار نیز به عنوان ملاک‌های دیگر در تشخیص جرایم شدید از اشد است. همچنین این مقاله به تفاوت عوامل تشدیدکننده جرم را از عوامل تشدیدکننده مجازات پرداخته است. عوامل تشدیدکننده جرم می‌توانند ناظر به رفتار، اوضاع و شرایط مجرمانه و یا حتی نتیجه جرم باشند؛ لیکن عوامل تشدیدکننده مجازات، مواردی هستند که بدون اینکه موجب تشدید جرم شوند، عاملی برای تشدید مجازات محسوب می‌شوند.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)  
ir.javanmardi@gmail.com  
<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران. hosein.meybodi@gmail.com  
<sup>۳</sup> استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

## کلید واژه‌ها

جرایم شدید، جرایم اشد، مجازات قانونی.

## مقدمه

تعیین جرایم شدید از جرایم اشد نتایج مهمی در حقوق کیفری ایران از خود برجای می‌گذارد که در مواد مختلف قانون مجازات اسلامی قابل لمس است. سوال اساسی این است که اولاً مفهوم جرایم شدید و اشد چیست و ثانیاً ملاک‌های تشخیص این دو دسته از جرایم کدام است؟ در پاسخ به پرسش اول می‌توان گفت زمانی که از جرم اشد سخن می‌گوییم، مقصودمان جرمی است که نسبت به جرم دیگر، شدیدتر است. بنابراین مفهوم جرم شدید و اشد، کاملاً نسبی است. ممکن است یک جرم نسبت به جرمی شدید و نسبت به جرم دیگر خفیف محسوب شود. جرایم ممکن است به واسطه وجود عواملی معینی تشدید شوند و به اشکال شدیدتر تبدیل گردند. به عنوان مثال عامل زمان (شب) و ابزار ارتکاب جرم (سلاح) می‌تواند شکل سرقت ساده را به سرقت مسلحانه تبدیل کند.

در پاسخی اجمالی به پرسش دوم می‌توان به میزان مجازات جرایم اشاره نمود و از میزان مجازات قانونی در نظر گرفته شده برای جرایم به شدید یا اشد بودن آن پی برد. این پاسخ در مقایسه دو جرمی که دارای مجازات مشابهی هستند قانع کننده است ولیکن در مواردی که از حیث مذکور، دو جرم با مجازات‌های مختلف وجود دارند تکلیف چیست؟ به عنوان نمونه در مواردی که مجازات جرمی حبس و مجازات جرم دیگر شلاق است، کدام یک شدید و کدام یک اشد محسوب می‌شوند؟ همچنین در مواردی که مجازات جرایم ارتكابی دارای حدأكثر و حدأقل است، ملاک تعیین جرم شدیدتر توجه به حدأقل مجازات قانونی دو جرم قابل مقایسه است یا حدأكثر آن؟ یا در نمونه دیگر می‌توان به موردی اشاره کرد که دو جرم ارتكابی مجازات مشابهی داشته و لیکن کیفیت رفتار منجر به نتیجه مجرمانه در آن دو متفاوت است. به عنوان مثال هر گاه دو قتل اتفاق افتاده ولیکن یکی از آن‌ها به صورت ساده بوده و قتل دیگر به صورت قطع کردن تدریجی اعضای بدن مقتول که در نهایت منجر به کشته شدن وی شده اتفاق افتاده است. در این حالت که مجازات مرتکب در صورت عمدی بودن و جمع بودن سایر شرایط، قصاص است، ملاک تشخیص جرم شدید از اشد چیست؟

در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ مجلس، جرم از حیث شدت و ضعف مجازات‌ها به ۴ دسته جنایت، جنحه بزرگ، جنحه کوچک و خلاف تقسیم می‌شد. در مواد بعدی آن قانون

نیز با توجه به نوع جرم ارتكابی، مجازات آن مشخص می‌گشت. لذا بر اساس قانون یاد شده تشخیص مجازات اشد از شدید کار سختی نبود و نص قانون در این زمینه تعیین تکلیف می‌نمود. گرچه مشکل در تشخیص جرایم شدید از اشد از همان ابتدای کیفرگذاری بعد از انقلاب اسلامی نیز وجود داشت؛ اما انتظار می‌رفت در سال ۱۳۹۲، قانون‌گذار این مشکل را برطرف نماید؛ با این وجود در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز این تشخیص همچنان با سختی روبروست. ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی به درجه‌بندی مجازات‌ها پرداخته است. در هر درجه از مجازات‌ها به ذکر چند نوع مختلف مجازات پرداخته شده است. به عنوان مثال حبس بیش از شش ماه تا دو سال و جزای نقدی بیش از بیست میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال و نیز شلاق از سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه و محرومیت از حقوق اجتماعی و انتشار حکم در رسانه‌ها همگی از سری مجازات‌های درجه شش محسوب می‌گردند. وجود تنوع مجازات در یک درجه موجب باز بودن دست قاضی در تعیین مجازات و انتخاب مجازات متناسب با جرم ارتكابی می‌گردد ولیکن سوالات متعددی را ایجاد می‌نماید. آیا جزای نقدی تعیین شده در این مقرر قانونی یا محرومیت از حقوق اجتماعی با میزان حبس تعیینی در همین بند از حیث شدت و ضعف مجازات متناسب است؟ یا در مقایسه این بند با سایر بندهای ماده ۱۹، آیا دو سال حبس (مجازات درجه ۶) شدیدتر است یا صد میلیون ریال جزای نقدی (مجازات درجه ۵)؟ آیا مجازات حبس شدیدتر است یا شلاق؟ آیا برای اشخاص حقوقی ممنوعیت از فعالیت شغلی مهم‌تر است یا جزای نقدی یا سایر مجازات‌ها؟ در این مقاله سعی شده است ضمن ذکر اشکال مختلف جرایم شدید از اشد، با نگاهی تحلیلی به بررسی ملاک‌های تشخیص آن پرداخته شود. عدم تشخیص جرایم شدید از اشد موجب خواهد شد عملاً تعیین مجازات‌های متناسب برای مجرمین به صورت غیرمنصفانه و ناعادلانه صورت گیرد.

در این مقاله مقصود از جرایم اشد، همه جرایمی است که نسبت به جرایم دیگر از عوامل تشدیدکننده بیشتری برخوردار هستند. بنابراین جرایم شدید و اشد مفهومی کاملاً نسبی دارند. بدین ترتیب که برخی جرایم ممکن است نسبت به جرایم دیگر شدید و نسبت به برخی دیگر اشد محسوب شود. اما در واقعیت مقایسه جرایم شدید و اشد زمانی صورت می‌گیرد که عملاً برخی جرایم با یکدیگر ارتكاب می‌یابد. به عنوان مثال جرم کلاهبرداری ممکن است با جعل سند، اخاذی با تهدید، سرقت مسلحانه با تهدید یا ضرب و جرح؛ ارتكاب یابد. مقصود از مجازات اشد نیز همان مجازات جرم اشد است.

## ۱- اشکال تشدید جرم

به طور استقرایی می‌توان اشکال تشدید جرم را به سه دسته تقسیم نمود. در همین قسمت لازم به ذکر می‌داند اشکال تشدید جرم لزوماً با شرایط تشدید مجازات دو موضوع مجزا است؛ به عبارت بهتر «تشدید مجازات» لزوماً مترادف با «تشدید جرم» نیست؛ زیرا برخی فاکتورها در عنصر روانی جرم وجود داشته و موجب تشدید مجازات می‌شود. این فاکتورها ارتباطی به اشکال تشدید جرم که مبتنی بر تشدید عنصر مادی است، ندارد.

### ۱-۱- از حیث تعداد جرایم ارتكابی؛ ارتكاب جرایم متعدد (تعدد جرم)

به صورت کلی در بسیاری از مواردی که جرایم متعدد رخ می‌دهد، مجازات قانونی، اشد از زمانی است که جرم به صورت واحد ارتكاب می‌یابد. البته تشدید یا تجمیع مجازات‌ها، لزوماً نتیجه ضروری تعدد جرم نیست؛ بلکه در برخی موارد، تعدد جرم، تشدید یا تجمیع مجازات را در پی ندارد. به عنوان مثال تعدد جرم در خصوص جرایم حدی مشابه منجر به تشدید مجازات نمی‌شود. ضمن این‌که تشدید مجازات به عنوان یکی از نتایج قانونی تعدد مطرح است و نه مبنای تعدد جرم. به عبارت دیگر انگیزه‌ها و اوضاع و احوال دیگری غیر از تشدید مجازات در این مسأله موثر است. بنابراین مبانی نظری تأثیر تعدد جرم بر میزان مجازات، فراتر از تشدید مجازات صرف است و می‌توان از عدالت، موازین فقهی، مصلحت و فایده اجتماعی به عنوان مبانی تعیین مجازات اشد برای تعدد جرم نام برد. (جعفری، ۱۳۹۲، ص ۱۷۸-۱۸۰) با این وجود، از نظر نگارندگان این سطور، تعدد جرم فاکتور تشدیدکننده جرم است. توضیح آنکه وقتی کسی جرایم متعدد مرتکب می‌شود لزوماً وصف فعلی جرم را تشدید نموده است. به عنوان مثال کسی که سه فقره سرقت مرتکب می‌شود؛ علاوه بر اینکه فقرات مختلف به صورت مجزا می‌تواند موضوع تحلیل قرار گیرد؛ مجموع سه فقره نیز متصف به شدت خواهد بود؛ برای همین است که در مقام تحلیل میزان شدت جرم، در مورد مجرمی که سه فقره سرقت مرتکب شده باشد؛ گفته می‌شود جرم شدیدتری را نسبت به فردی که یک فقره سرقت مرتکب شده، انجام داده است.

آرای قضایی متعددی نیز وجود دارد که تعدد جرم را از عوامل تشدید مجازات برشمرده است. به عنوان نمونه، بر اساس دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۲۱۳۱۳۰۰۴۶۴ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۲ شعبه ۶۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، «تعدد جرم می‌تواند از علل تشدید کیفر باشد.» همچنین بر اساس دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۳۹۰۱۶۴۱ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۳ صادره از شعبه ۳۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، «اتهامات سرقت‌های متعدد از اشخاص مختلف و مقرون به

آزار می‌باشد عقل حکم می‌کند مرتکب به یک مجازات محکوم شود و مجازات حداکثری و با رعایت اشد مورد حکم قرار گیرد.»

با توجه به اینکه مباحث مربوط به تعدد به دو قسم تعدد مادی و تعدد معنوی تقسیم‌بندی می‌شود، می‌توان این مبحث را از این دو باب دنبال نمود. از یک بابت چنانچه مدنظر معاون در تشویق، تحریک و ترغیب مباشر، تنها تشویق و تحریک نسبت به ارتکاب یک جرم خاص بوده است ولیکن مباشر جرم به اندازه‌ای تحریک شود که مرتکب چندین جرم گردد، در واقع جرمی شدیدتر و بیشتر از آنچه مدنظر معاون بوده ارتکاب یافته است. در این صورت تعدد مادی جرم اتفاق افتاده است. به عنوان مثال هرگاه شخصی دیگری را تحریک و تشویق به ارتکاب سرقت نماید و آن شخص در اثر تشویق‌های معاون به اندازه‌ای تحریک شود که علاوه بر سرقت، به تخریب عمدی منزل مسروقه و نیز توهین و فحاشی به ساکنان منزل نیز بپردازد، جرایمی شدیدتر و بیشتر از آنچه مدنظر معاون جرم بوده است مرتکب گردیده است. یا هرگاه شخصی دیگری را ترغیب به ارتکاب تهدید نسبت به ثالثی نماید ولیکن مباشر جرم به حدی ترغیب و تحریک گردد که علاوه بر تهدید به ضرب و جرح طرف مقابل نیز بپردازد، نه تنها یک جرم بلکه جرایم متعدد با عناوین مجرمانه مختلف به وقوع پیوسته است که هیچ‌کدام از جرایم بعدی، مدنظر معاون جرم نبوده است. یا در نمونه دیگر هرگاه شخصی در راستای تسهیل ارتکاب جرم سرقت، چاقو و یا ابزار شکستن قفل را در اختیار دیگری قرار دهد و این شخص علاوه بر شکستن قفل دست به قتل صاحب ملک نیز بزند، جرایم متعدد ارتکاب یافته است در این حالت در واقع جرم یا جرایمی شدیدتر و به تعبیر دقیق‌تر بیشتر از آنچه مورد نظر معاون بوده، ارتکاب یافته است.

از بابت دیگر چنانچه مدنظر معاون در تشویق، تحریک و ترغیب مباشر تنها ارتکاب یک رفتار مجرمانه بوده است و وی از سایر عناوین مجرمانه و یا شیوه اقدام مرتکب به شکلی که قابل تطبیق بر عناوین مجرمانه متعدد باشد، مطلع نبوده است، در این حالت می‌تواند مصداقی از تعدد معنوی باشد که بر اساس ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی، مجازات اشد را به دنبال دارد. به عنوان مثال هرگاه شخصی قصد معاونت در ترویج سکه قلب را داشته باشد و مرتکب اصلی با ارائه سکه تقلبی به صرافی مبالغ زیادی پول دریافت نماید، نوعی تعدد معنوی یا اعتباری رخ داده است. زیرا رفتار وی در واقع بر جرم ترویج سکه قلب و کلاهبرداری، به صورت همزمان، قابل تطبیق است. در این حالت تعدد معنوی جرم اتفاق افتاده و مرتکب بنابر ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی به مجازات کلاهبرداری (به عنوان مجازات اشد) محکوم می‌شود. این

در حالیست که معاون جرم هیچ‌گونه قصدی در معاونت در کلاهبرداری نداشته است. بنابراین می‌توان تشدید مجازات در تعدد معنوی یا اعتباری در ارتکاب جرایم را نسبت به غیر مورد تعدد جرم از مصادیق مجازات‌های اشد برشمرد.

#### ۱-۲- از حیث نوع رفتار ارتكابی؛ ارتكاب جرم دارای ابعاد مجرمانه شدیدتر

به طور کلی می‌توان جرایم را از حیث جنبه مجرمانه آنها با یکدیگر مقایسه کرد. در ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی، مجازات‌ها به چهار دسته کلی تقسیم شده‌اند: حدود، قصاص، دیات و تعزیرات. این ۴ دسته از مجازات‌ها را می‌توان با یکدیگر مقایسه کرد و در خصوص جنبه‌های مجرمانه آنها بررسی نمود. از این حیث توجه به جنبه‌های حق الهی و حق انسانی مجازات‌ها، میزان خطرات آن و سایر جنبه‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. از سوی دیگر می‌توان به مقایسه جرایم در هر کدام از ۴ دسته خود پرداخت. به عنوان نمونه می‌توان انواع حدود و انواع تعزیرات را با یکدیگر مقایسه نمود و در خصوص شدت و ضعف آنها اظهار نظر نمود. البته بحث اصلی این مقاله پرداختن به تفاوت‌های مذکور نیست، بلکه در این بین به مقایسه این جرایم از حیث شدت و ضعف آنها پرداخته خواهد شد.<sup>۱</sup>

بنابراینچه فقهای اسلام درخصوص لزوم اجرای حدود و عدم تعطیلی آن بیان می‌دارند، مشخص است که حدود به عنوان یکی از رفتارهای مجرمانه شدید مطرح است. ویژگی‌های حدود نیز نشان‌دهنده اهمیت این موضوع برای شارع به نسبت تعزیرات است. ویژگی‌هایی مانند عدم جواز تأخیر در اجرای حدود، عدم امکان شفاعت و کفالت در حدود، عدم شمول مرور زمان و ... همگی به نوعی نشان‌دهنده شدید بودن حدود در مقایسه با تعزیرات است. این ویژگی‌های حدود با ملاک بعدی که در این مقاله بحث شده است نیز گره خورده است. بدین معنا که پیش‌بینی مجازات‌های ثابت و همیشگی برای برخی جرایم در فقه کیفری اسلام به دلیل نقض ارزش‌های اساسی و بنیادین بشری است. گویی این ارزشها چنان اهمیت دارند که لازم است حمایت از آنها نیز همیشگی و مهم و استوار باشد. (نوبهار، ۱۳۹۲، ص ۲۱۵)

<sup>۱</sup> برای مطالعه بیشتر درخصوص معنای حد، شمول عنوان حد بر تعزیر و ... ر.ک: حسینی، سید محمد (۱۳۸۷)، حدود و تعزیرات (قلمرو، انواع، احکام)، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۲۸، شماره ۱، بهار ۱۳۸۷، ص ۱۴۵-۱۲۵.

بنابراینچه گذشت معلوم می‌گردد که می‌توان مجازات‌های قانونی را از حیث شدت و ضعف به ترتیب شامل حدود، قصاص و تعزیرات دانست.<sup>۱</sup> البته آنچه در این مقاله مورد تدقیق قرار گرفت تفاوت‌های بین حدود و تعزیرات از حیث شدت و ضعف بود و اساساً به مقایسه قصاص با سایر مجازات‌ها پرداخته نشد. به نظر نگارنده بدلیل آن که قصاص و حدود دارای جنبه‌های مختلفی هستند که هر کدام در مواردی نسبت به دیگری شدید و در مواردی خفیف محسوب می‌شوند نمی‌توان صراحتاً در این خصوص اظهار نظر نمود. به عنوان مثال قصاص نسبت به حدود دارای جنبه حق الناسی بیشتری است و همین امر باعث می‌گردد که از یک حیث بتوان آن را شدیدتر از حدود تلقی نمود. چرا که در بسیاری از روایات اسلامی به عدم بخشش حق الناس در قیامت و دارا بودن عقوبت اخروی آن اشاره گردیده است<sup>۲</sup> (کاظمی، ۱۳۴۷، ص ۳۲۰) همین امر نشان‌دهنده اهمیت حق الناس در مقایسه با حق الله است. از طرف دیگر قصاص در مقایسه با حدود قابل گذشت محسوب می‌شود و صاحب حق قصاص می‌تواند از اجرای آن صرف‌نظر نماید در صورتی که حاکم شرع در صورت اثبات جرایم موجب حد امکان گذشت از آن را ندارد.<sup>۳</sup> اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۱۵۴۰ - ۱۳۹۲/۸/۱۴ در خصوص تفکیک بین حق الله و حق الناس آورده است که «ضابطه تشخیص حق الله و حق الناس در قانون معین نشده است ولی جرائمی که منشاء آن‌ها تجاوز به حقوق اشخاص و اضرار به آن‌ها باشد، حق الناس و جرائمی که منشاء آن‌ها تخطی و تجاوز از احکام الهی است، حق الله محسوب می‌شود.» بنابراین نمی‌توان به صراحت در خصوص مقایسه شدت و ضعف قصاص و حدود اظهار نظر نمود و بهتر است موضوع را به صورت مصداقی بررسی نمود. به عنوان مثال هرگاه شخصی دیگری را ترغیب و تشویق به ارتکاب قتل شخصی در قالب ارتکاب جرم محاربه نماید و برای تسهیل ارتکاب جرم محاربه سلاح نیز در اختیار وی قرار دهد ولیکن مباشر جرم با در دست داشتن سلاح وارد منزل وی شود و در خفا اقدام به قتل او نماید. در مثال دیگر، هرگاه

<sup>۱</sup> برخی اساتید نیز از جنبه دیگر به این نتیجه رسیده اند و علت شدید بودن جرایم حدی نسبت به جرایم مستوجب قصاص و شدید بودن این جرایم نسبت به تعزیرات را شیوه نگارش قانون دانسته‌اند و معتقدند تقدم و تأخر این جرایم در نگارش قانون نسبت به یکدیگر تعیین کننده میزان اهمیت آنهاست. (نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۸۵)، جزوه مباحثی در علوم جنایی - تقریرات، بخش ۲۷، ص ۲۲۶)

<sup>۲</sup> در یکی از آراء صادره از شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور از عبارت «حاکمیت اصل تقدم حق الناس بر حق الله استفاده نموده است.» (قابل دسترسی در بانک داده آراء، پژوهشگاه قوه قضاییه، به آدرس اینترنتی: <http://judgements.ijri.ir>)

<sup>۳</sup> برای مطالعه بیشتر در اینخصوص رک: فروغی، فضل الله (۱۳۸۳)، جرایم قابل گذشت در حقوق ایران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۲۱، شماره ۲، ص ۱۷-۲۴.

معاون با تشویق دیگری، به دنبال ارتکاب زناى به عنف توسط مرتکب بوده است ولیکن مباشر جرم به علت مقاومت مجنی‌علیه، اقدام به قتل وی نماید. در این دو مثال، جرم ارتکاب یافته مستوجب قصاص است ولیکن قصد معاون، تسهیل و ترغیب و تشویق مرتکب به ارتکاب جرم حدی بوده است.

در مقایسه جرایم ممنوع نیز امکان مقایسه وجود دارد. به عنوان مثال هر گاه دو سرقت که یکی حدی و دیگری تعزیری است صورت پذیرد قطعاً و بلاشک امکان مقایسه این دو سرقت وجود دارد و سرقت حدی شدیدتر از سرقت تعزیری محسوب می‌شود. همچنین هرگاه کلاهبرداری ساده و مشدده رخ دهد، مشخص و مبرهن است که کلاهبرداری مشدده، شدیدتر از کلاهبرداری ساده است.

لذا هرگاه قصد معاون از تشویق، ترغیب و ... ارتکاب جرمی ساده باشد ولیکن مباشر اصلی جرم به علت تحریک معاون اقدام به ارتکاب جرم مشدده نماید، جرم صورت گرفته توسط مباشر نسبت به آنچه مدنظر معاون بوده شدیدتر است. مانند اینکه شخصی دیگری را به کلاهبرداری ساده تشویق نموده ولیکن وی مرتکب کلاهبرداری مشدده می‌شود. یا در موردی که شخصی دیگری را به ارتکاب سرقت تعزیری تشویق نموده ولیکن مباشر مرتکب سرقت حدی شده است.

### ۱-۳- از حیث شخصیت بزه دیده؛ ارتکاب جرم دارای بزه دیده خاص

قانون مجازات اسلامی در موارد اندکی به جایگاه بزه‌دیده در تعیین میزان مجازات ارتكابی توجه نموده است که از جمله آن می‌توان به ارتکاب جرایم علیه اشخاص و اطفال، ترمذ نسبت به مأمورین دولت، سوءقصد به مقامات مذهبی و سوءقصد به مقامات داخلی اشاره نمود. البته آنچه در «بزه‌دیده شناسی» به عنوان موضوع اصلی مورد بحث واقع می‌شود، به نوعی حمایت از بزه‌دیده و بررسی تأثیرات قربانیان بزه یا بزه‌دیدگان در ارتکاب جرم به وسیله بزهکار است. لذا در بسیاری از مطالعات بزه‌دیده شناسی، تقصیر قربانی در ارتکاب بزه مورد بحث قرار می‌گیرد. (Graham Wright, ۲۰۰۴, p1۰۷). در واقع نقطه اتصال این پژوهش با بزه‌دیده شناسی، تشدید مجازات مرتکبین جرم دارای بزه دیده خاص است که این موضوع از دیدگاه حمایتی نسبت به بزه‌دیده می‌تواند مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

منظور از بزه‌دیدگان خاص در این پژوهش، آن دسته از بزه‌دیدگانی هستند که قانون‌گذار جهت حمایت از آنها به ویژگی‌های خاص شخصیتی، فرهنگی، اجتماعی و ... توجه نموده و ارتکاب جرم علیه این دسته از بزه‌دیدگان، مجازات‌های متفاوتی با سایر بزه‌دیدگان عادی دارد.



علی‌الاصول قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی از چند دسته کلی بزه‌دیدگان حمایت نموده است:

دسته اول؛ اطفال و زنان هستند که به موجب ماده ۶۱۹ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، تعرض و مزاحمت و توهین به آنها جرم‌انگاری گردیده است و نسبت به اشخاص عادی از مجازات شدیدتری برخوردار است. مبنای تشدید مجازات در این خصوص حمایت از زنان و کودکان و به نوعی توجه به نتایج و آثار فرهنگی، اجتماعی بزه‌دیدگی این گروه است. در واقع می‌توان تشدید مجازات در این خصوص را نوعی حمایت فرهنگی، اجتماعی از این دسته بزه‌دیدگان تلقی نمود.

دسته دوم؛ کارکنان دولت و شخصیت‌های مذهبی، سیاسی هستند که به موجب مواد ۵۱۳ الی ۵۱۷ و نیز ماده ۶۰۹ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، سوء‌قصد و توهین به آنها مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است. مبنای تشدید مجازات در این خصوص نیز علاوه بر حمایت از این دسته از اشخاص، به نوعی حمایت از شخصیت و جایگاه آنهاست و تشدید مجازات در این خصوص نوعی حمایت مذهبی- سیاسی از این دسته اشخاص تلقی می‌گردد.

به غیر از موارد مذکور، در قوانین موضوعه فرعی مانند قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی، قانون حمایت خانواده و ... نیز می‌توان به نوعی حمایت از برخی گروه‌ها را استقراء نمود که بررسی و کنکاش در این خصوص به دلیل عدم ارتباط مستقیم به موضوع، از حوصله این پژوهش خارج است.

#### ۱-۴- از حیث شرایط و احوال خاص ارتکاب جرم

بنابر تقسیم‌بندی مشهور در حقوق جزا، هر جرم از سه عنصر قانونی، مادی و روانی تشکیل می‌شود و برای محکوم شدن متهم به ارتکاب جرم، باید کلیه اجزای این عناصر توسط مرجع تعقیب اثبات شود. (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲، ص ۵۷، ب) هر جرم نیز عناصر متشکله مخصوص به خود را دارد ولیکن عوامل و شرایط اوضاع و احوال خاص آن می‌تواند باعث تشدید مجازات شود.

در مقایسه جرایم با یکدیگر هر چند امکان دارد عنصر مادی و رفتار فیزیکی جرم ارتكابی یکسان باشد ولیکن ارتکاب جرم در شرایط زمانی و مکانی خاص موجب تشدید مجازات مرتکب می‌گردد. ماده ۶۶۱ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، مجازات ارتکاب سرقت تعزیری را حبس

از سه ماه و یک روز تا دو سال و تا (۷۴) ضربه شلاق تعیین نموده است. هر چند «سرقت» تعریف مشخص و عنصر مادی مشخصی دارد که ماده ۲۶۷ قانون مجازات اسلامی تعیین نموده است ولیکن هرگاه این جرم در شب واقع شود، با جمع سایر شرایط مطابق مواد ۶۵۱ و ۶۵۴ مجازات تشدید می‌شود. تشدید مجازات در مورد جرایم موضوع این مواد به خاطر آن است که کیفیت جرم تشدید شده است؛ به عبارت بهتر، چون جرم شدیدتر شده است، تشدید مجازات توجیه منطقی دارد.

همچنین مطابق ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی «هرگاه رفتار مرتکب و فوت مجنی‌علیه هر دو در ماه‌های حرام (محرم، رجب، ذی‌القعدة و ذی‌الحجه) یا در محدوده حرم مکه، واقع شود خواه جنایت عمدی خواه غیرعمدی باشد، علاوه بر دیه نفس، یک‌سوم دیه نیز افزوده می‌گردد.» بر اساس این ماده نیز تشدید مجازات جرم ارتكابی، به علت ارتكاب جرم در مکان یا زمان خاص است. به عنوان مثال هرگاه معاون جرم تشویق به ارتكاب سرقت تعزیری ساده (موضوع ماده ۶۶۱ کتاب پنجم قانون مزبور) نماید ولیکن مرتکب اصلی جرم، با جمع شرایط ماده ۶۵۱، اقدام به ارتكاب سرقت مشدده نماید، جرمی شدیدتر از جرم مدنظر معاون واقع شده است. مگر اینکه برای معاون به وقت معاونت کاملاً معلوم و مشخص باشد که مباشر قصد ارتكاب جرم شدیدتر را داشته است که در این صورت معاون نیز به مجازات معاونت در جرم شدیدتر محکوم می‌گردد.

به غیر از شرایط زمانی و مکانی، برخی دیگر از شرایط و اوضاع و احوال ارتكاب جرم، موجب مشدده شدن مجازات خواهد شد. به عنوان مثال، دارا بودن سلاح هنگام سرقت (موضوع ماده ۶۵۱ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی)، سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته (موضوع ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی و ماده ۷۵۴ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی)، ارتكاب جرم به صورتی که مرتکبین بیش از دو نفر باشند (موضوع مواد ۶۵۱ و ۶۹۴ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی)، ارتكاب جرم به عنف (موضوع ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی)، ارتكاب جرم در پوشش مسئولین نظام یا مأمورین دولتی (ماده ۵۰۵ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی)، ارتكاب جرم توسط مأمورین دولتی (موضوع مواد ۵۲۷، ۵۳۳، ۷۵۴ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی و تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری)، ارتكاب جرایم رایانه‌ای به صورت گسترده (موضوع ماده ۷۵۴ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی)، همگی نمونه‌هایی از شرایط و اوضاع و احوال خاص ارتكاب جرم است که موجب

تشدید مجازات می‌گردد.<sup>۱</sup> در همه این موارد، چه در حالت مشدده و چه در حالت ساده، رفتار مادی و فیزیکی جرم یکسان است ولیکن شرایط اوضاع و احوال خاص ارتکاب جرم باعث تشدید مجازات آن می‌گردد.

## ۲- ملاک های تشخیص جرایم شدید از اشد

پس از ذکر اشکال تشدید جرم، سوال اساسی اینجاست که چگونه می‌توان در مقایسه دو جرم با یکدیگر به شدید یا اشد بودن آن پی برد؟ ذیلاً به ملاک‌های تشخیص جرایم شدید از اشد پرداخته می‌شود:

### ۲-۱- توجه به میزان مجازات قانونی جرم ارتكابی

اولین ملاک در تعیین جرایم شدید از اشد، توجه به میزان مجازات قانونی جرم ارتكابی است. هرچه میزان مجازات شدیدتر باشد، جرم ارتكابی نیز شدیدتر است. بر همین اساس نیز ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی به درجه‌بندی مجازات‌ها پرداخته است. این موضوع آسان‌ترین و پرکاربردترین ملاک در تشخیص جرایم شدید از اشد است و در بسیاری از موارد می‌تواند گره‌گشا باشد. اما در مواردی که دو یا چند جرم مختلف با تفاوت در حد‌اقل و حد‌اکثر میزان مجازات وجود دارد، تشخیص سخت‌تر است.

۲-۱-۱- به عنوان نمونه مجازات جرم موضوع ماده ۵۰۱ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی از یک تا ده سال حبس است ولیکن برای ارتكاب جرم موضوع ماده ۵۰۲ همان قانون مجازات یک تا پنج سال حبس در نظر گرفته شده است (دو جرم دارای حداقل مجازات یکسان و حداکثر مجازات متفاوت). همچنین مجازات جرم موضوع ماده ۴۹۸ قانون یادشده ۲ سال تا ده سال است که در مقایسه با جرم موضوع ماده ۵۰۱ همان قانون، مجازات حد‌اقلی متفاوت و حداکثری یکسان دارد. در این دسته از جرایم که مجازات آن در یک طرف (حد‌اقل یا حد‌اکثر) یکسان و در طرف دیگر متفاوت است، مجازات طرف متغیر مبنای تعیین شدت و خفت میزان

<sup>۱</sup> علل تشدید مجازات را در یک تقسیم بندی دیگر می‌توان به علل شخصی و علل عینی نیز تقسیم نمود. برای مطالعه بیشتر در اینخصوص ر. ک: عبداللهی، اسماعیل (۱۳۷۲)، تشدید مجازات در حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.

مجازات است. لازم به ذکر است تبصره ۲ ماده ۱۹ نیز در اینخصوص نمی‌تواند راهگشا باشد؛ زیرا حداقل مجازات در دو جرم فوق، منطبق با درجه ۷ ولی حداکثر مجازات در ماده ۵۰۱ منطبق با درجه ۴ و در ماده ۵۰۲ منطبق با درجه ۵ است. این یکی از اشکالات اصلی درجه بندی مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی است که در برخی جرایم فاصله بین حداقل و حداکثر مجازات چند درجه مجازاتی است و نه یک درجه. بنابراین مجازات جرم موضوع ماده ۵۰۱ قانون اخیرالذکر نسبت به جرم موضوع ماده ۵۰۲ و نیز مجازات جرم ماده ۴۹۸ از جرم موضوع ماده ۵۰۱ شدیدتر است. در دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۹۰۰۵۴۱ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۳ صادره از شعبه دوم دیوان عالی کشور، که در مقام حل اختلاف قضایی راجع به صلاحیت رسیدگی دو حوزه قضایی صادر گردیده است، جرم جعل امضای مقام قضایی (موضوع ماده ۵۲۵ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی) شدیدتر و مهم‌تر از جرم کلاهبرداری (موضوع ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری) دانسته شده است. به نظر می‌رسد مبنای صدور این رأی، شدیدتر بودن حداکثر مجازات مقرر برای ارتکاب جرم جعل امضای مقام قضایی نسبت به حداکثر مجازات مقرر برای ارتکاب جرم کلاهبرداری است. مواردی نیز وجود دارد که نه حداقل و نه حداکثر میزان مجازات جرم ارتكابی یکسان نیست. این اشکال مجازات را می‌توان شامل موارد زیر دانست:

در یک شکل هم حداکثر و هم حداقل مجازات قانونی یک جرم شدیدتر از جرم دیگر است. در این حالت مبرهن و واضح است که از نظر قانون‌گذار ارتکاب جرم اولی سنگین‌تر بوده و از نظر قانونی نیز مجازات بیشتری دارد.

در شکل دیگر، هرگاه حداقل مجازات مقرر قانونی برای ارتکاب جرم کمتر از مجازات مقرر قانونی برای ارتکاب جرم دیگر باشد ولیکن حداکثر میزان مجازات قانونی، بیشتر از مجازات مقرر قانونی برای جرم دیگر باشد، تشخیص اخف یا اشد بودن آن‌ها نسبت به یکدیگر سخت‌تر است. مثلاً در مقایسه دو ماده ۶۵۲ و ۶۵۶ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی چنین حالتی وجود دارد. بر اساس ماده ۶۵۶ قانون مزبور، حبس از ۶ ماه تا سه سال برای ارتکاب سرقت با شرایط خاص مطرح در آن ماده در نظر گرفته شده است ولیکن بر اساس ماده ۶۵۲ همان قانون، مجازات سرقت مسلحانه از سه ماه تا ده سال می‌باشد. همانگونه که ملاحظه می‌گردد ماده ۶۵۲ نسبت به ماده ۶۵۶ دارای مجازات حداقلی کمتر و مجازات حداکثری بیشتری است به نظر نگارنده در این موارد در نظر گرفتن حداکثر میزان مجازات قانونی می‌تواند به عنوان معیاری جهت تعیین شدت یا خفت مجازات در نظر گرفته شود. چرا که قانون‌گذار با فرض

آگاهی نسبت به سایر قوانین و مقررات، اقدام به افزایش حد اکثر مجازات یک جرم نموده است و همین اقدام قانون گذار نشان از سخت گیری شدیدتر وی در ارتکاب این جرم دارد؛ ملاکی که البته توسط قانون گذار در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی و تبصره های آن پذیرفته شده است؛ اما چون تصویب کتاب تعزیرات مقدم بر مواد عمومی بوده است؛ قانون گذار در هنگام تصویب به چنین ملاکی توجه نداشته است. البته این استدلال ممکن است با این اشکال روبرو شود که قانون گذار حکیم با همین آگاهی نسبت به سایر قوانین، اقدام به کاهش حد اقل مجازات یک جرم نموده است و دقیقاً برعکس استدلال فوق را تقویت نمود. از نظر نگارنده اقدام قانون گذار در این خصوص را باید در چارچوب سایر مواد قانونی بررسی و تحلیل نمود. توجه به عناصر مادی تشکیل دهنده و شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر این جرایم و مقایسه آنها با یکدیگر، حاکی از سخت گیری و شدت برخورد قانون گذار با جرایم دارای مجازات حد اکثری بالاتر است. گویی افزایش حد اکثر میزان مجازات قانونی یک جرم، بیشتر از حد اقل میزان مجازات مورد توجه مقنن است. تبصره ۲ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی نیز این برداشت را تقویت می نماید. بر اساس این تبصره «مجازات که حد اقل آن منطبق بر یکی از درجات فوق و حد اکثر آن منطبق با درجه بالاتر باشد، از درجه بالاتر محسوب می شود.» به نظر می رسد علت تصویب این مقرر قانونی، توجه به حد اکثر میزان مجازات قانونی است. ضمن اینکه تبصره ۳ همان ماده نیز موید این نظر است. زیرا بر اساس این تبصره نیز «در صورت تعدد مجازات ها، مجازات شدیدتر ... ملاک است» و مجازات شدیدتر به عنوان مبنای تعیین درجه مجازات در نظر گرفته شده است.

نکته قابل توجه در این خصوص این که حکم نهایی صادره از جانب دادگاه، ملاکی برای تعیین شدت و ضعف میزان مجازات نیست. به عبارت دیگر، ملاک تعیین شدت و ضعف، میزان مجازات مقرر در قانون است. لذا حتی در صورتی که در حکم قضایی، مجازات یک جرم به میزان حد اقل آن جرم صادر گردد، تأثیری در تحلیل ما در شدت و ضعف مجازات قانونی آن ندارد. چرا که حکم صادره توسط مقام قضایی با در نظر گرفتن ملاحظات و جهات بسیاری است که با توجه به اوضاع و احوال ارتکاب جرم، شرایط متهم و سایر ملاحظات قضایی صورت می پذیرد. لذا در تحلیل شدت و ضعف مجازات تأثیری ندارد.

در صورتی که مجازات های قانونی در نظر گرفته شده از یک سنخ نبوده و نوعاً با یکدیگر متفاوت باشد، تشخیص شدید یا خفیف بودن آنها با مشکلاتی روبروست. چرا که برخی

مجازات‌ها ذاتاً با یکدیگر هم‌سنخی نداشته و نمی‌توان معیار مشخص و معینی در خصوص تعیین جرم شدید از خفیف در این موارد ارائه نمود.

در منظر قانون، مجازات‌های تعزیری به نسبت شدت و ضعف آنها به هشت درجه تقسیم می‌شوند. قانون‌گذار با درجه‌بندی مجازات‌ها، سه دسته مجازات سنگین (درجه‌های ۱ تا ۴)، متوسط (درجه‌های ۵ و ۶) و سبک (درجه‌های ۷ و ۸) پیش‌بینی نموده است. (جوانمردی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۷) این تقسیم‌بندی نشان‌دهنده شدت و ضعف مجازات‌ها نسبت به یکدیگر است. لذا در این تقسیم‌بندی قطعاً مجازات درجه ۱ از ۲ و درجه ۲ از ۳ و به همین ترتیب شدیدتر محسوب می‌شود.

اما نکته قابل توجه اینجاست که این نوع تقسیم‌بندی در شدت و ضعف مجازات‌ها با دید عرف و عموم اجتماع فاصله دارد. به عنوان مثال میزان جزای نقدی مقرر در این مواد با میزان حبس در نظر گرفته شده هیچ‌گونه همخوانی ندارد و از دید عرفی حبس در این مواد شدیدتر از جزای نقدی و سایر مجازات‌های مقرر در این بندهای قانونی است. به صورت کلی و با یک معیار نوعی، مجازات‌های بدنی و جسمی شدیدتر از مجازات‌های سالب آزادی، و مجازات‌های اخیر شدیدتر از مجازات‌های نقدی می‌باشد. لذا در دید عموم جامعه، اعدام شدیدترین مجازات و جزای نقدی خفیف‌ترین مجازات در نظر گرفته می‌شود. در این بین نیز به ترتیب پیش گفته، سایر مجازات‌ها وجود دارند. این عدم تجانس در هر درجه از مجازات‌های تعزیری در مواد رأی وحدت رویه شماره ۷۴۴ مورخ ۱۳۹۴/۸/۱۹ صادره از هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز منعکس گردیده است. بر اساس این رأی «مطابق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، قانون‌گذار هر یک از مجازات‌ها را در درجه‌ای خاص قرار داده که قرار گرفتن هر مجازات در مرتبه‌ای معین در عین حال مبین شدت و ضعف آن کیفر نیز می‌باشد، لکن در هر یک از این درجات نیز کیفرهای غیرمتجانس وجود دارد که به لحاظ عدم امکان سنجش آنها با یکدیگر، تشخیص کیفر اشد در بین آنها بعضاً با اشکال مواجه می‌گردد؛ ... بنا به مراتب مذکور، به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مواردی که مجازات بزه حبس توأم با جزای نقدی تعیین گردیده، کیفر حبس ملاک تشخیص درجه مجازات و بالنتیجه صلاحیت دادگاه است.» (معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۹۵، ص ۲۵۶) همانگونه که در نظر نماینده دادستان در صدور رأی وحدت رویه فوق‌الذکر نیز آمده است، با توجه به اینکه حبس مجازات سالب آزادی است و سخت‌گیری قانون‌گذار در مواد ۲۳۷ و ۲۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری مفید این معناست که مجازات حبس شدیدتر از بقیه مجازات‌هاست و به همین علت به سخت‌گیری در

صدور قرار بازداشت موقت اقدام نموده است، لذا مجازات حبس شدیدتر از سایر مجازات‌های تعزیری است. بنابراین به نظر نگارنده، عدم تجانس مجازات‌های مقرر در هر بند مذکور در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی را باید با ملاک تعیین شده در رأی وحدت رویه اخیر الذکر توجیه نمود.

لازم به ذکر است که ملاک پیش گفته در خصوص سنگین‌تر بودن مجازات حبس نسبت به سایر مجازات‌ها یک معیار نوعی و کلی است و در مصادیق احتمال اختلاف وجود دارد. چه بسا تحمل حبس برای یک شخص فقیر آسان‌تر از پرداخت مبلغ بالای جزای نقدی باشد و برعکس. لذا آنچه قانون‌گذار به عنوان معیار شدت و ضعف مجازات‌ها برگزیده است، نوعی ملاک نوعی است و قابل تطبیق بر کلیه مصادیق بیرونی نیست.

از چالش‌های پیش روی نظام قضایی در تعیین مجازات اشد در مواردی است که تعدد جرم رخ می‌دهد و قاضی مخیر به انتخاب مجازات از درجات متفاوت است. به عنوان مثال در صورتی که مجرم مرتکب سه یا بیشتر از سه فقره جرم شده و قاضی برای هر یک از جرایم ارتكابی مجازات‌های متنوع (حبس، شلاق، جزای نقدی و ...) تعیین نماید؛ آیا انتخاب مجازات اشد بر اساس نوع مجازات صورت می‌گیرد یا درجه آن؟ به عنوان مثال اگر یکی از مجازات‌ها حبس درجه ۴، دیگری شلاق درجه ۶ و مجازات دیگر جزای نقدی درجه ۱ باشد، چگونه می‌توان مجازات اشد را انتخاب نمود؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان دو فرصیه را مطرح کرد:

طبق فرضیه اول، اساساً تعیین مجازات‌های متنوع در تعدد جرم توسط قاضی با مبنای قانون‌گذاری در ماده ۱۳۴ مطابقت ندارد. توضیح آنکه قاضی اصولاً نباید اختیار تعیین مجازات‌های تعزیری متفاوت در حالت تعدد جرم داشته باشد و مکلف است مجازات‌های جرایم مختلف را از نوع واحد انتخاب کرده تا امکان تعیین مجازات اشد وجود داشته باشد؛ به عبارت بهتر تکلیف قانون‌گذار به تعیین مجازات اشد در ماده ۱۳۴؛ تلویحاً تکلیف به انتخاب مجازات‌ها از نوع واحد نیز هست؛ زیرا آنچه ذی‌المقدمه اقتضاء کند، مقدمه نیز باید از آن متابعت کند. بنابراین طبق این فرضیه، تمام مجازات‌ها در تعدد جرم باید از یک نوع تعیین گردد و اختیار تعیین مجازات‌های دیگر صرفاً در حالت ارتكاب جرم واحد خواهد بود. در غیر این صورت امکان تشدید مجازات از انواع متعدد و در درجات مختلف وجود ندارد. لازم به ذکر است در انواع مجازات‌های تعزیری نوعاً حبس شدیدتر از سایر مجازات‌های تعزیری است. رأی وحدت رویه اشاره شده نیز شدیدتر بودن حبس از سایر مجازات‌های تعزیری را تأکید می‌نماید. لذا بر اساس این فرضیه در موارد تعدد جرم، حکم به مجازات واحد (از نوع حبس) صحیح و اصولی

است. در تأکید بر این فرضیه لازم به ذکر است اساساً تعدد جرایم مبنایی برای تشدید جرایم است و نمی‌توان مجازات‌هایی را انتخاب کرد که میل به تخفیف به متهم و ارفاق به وی را دارد. لذا به نظر می‌رسد انتخاب مجازات حبس به عنوان مجازات شدید در تعدد جرم، مدنظر قانون- گذار می‌باشد.

فرضیه دوم، آن است که در تعدد مجازات‌ها اصل بر تجمیع است و نه تشدید. تشدید مجازات در خصوص مواردی جاری است که تجمیع مجازات‌ها موجب طولانی شدن مجازات و تضییع حقوق مجرم می‌شود. توضیح آنکه قانون‌گذار در انتخاب رویکرد تشدید (به جای تجمیع) سعی در کاهش هزینه‌های نظام عدالت کیفری و اتخاذ رویکرد نرم تر نسبت به مجرمین داشته است. این رویکرد زمانی کاربرد دارد که مجازات انتخابی حبس باشد؛ زیرا تجمیع حبس موجب طولانی شدن مجازات و افزایش هزینه‌های آن خواهد شد؛ لیکن در خصوص سایر مجازات‌ها؛ چون تجمیع موجب تبعات فوق نمی‌شود، تجمیع بر تشدید مقدم است. چرا که هر مجازات باید سبب جداگانه داشته باشد و هر سبب مجازات مجزا و هیچ جرمی نباید موجب تشدید مجازات جرم دیگر شود. چنانچه مطابق ماده ۱۳۳ قانون مجازات اسلامی در حدود و قصاص نیز اصل بر تجمیع مجازات‌هاست. بنابراین تشدید مجازات استثناء محسوب می‌شود که لازم است در غیر از مورد حبس (که تکلیف آن طبق ماده ۱۳۴ معلوم شد)، به اصل رجوع نمود.

به نظر نگارنده با توجه به اینکه قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۳۴، در مورد جرایم تعزیری اصل تجمیع را به دلایل مختلف نپذیرفته و به صورت مطلق صحبت از تشدید مجازات در خصوص ارتکاب این دسته از جرایم نموده است، ناگزیر از پذیرش فرضیه اول در تصمیمات قضایی هستیم. بدین معنا که اصولاً در تعدد جرایم تعزیری لازم است قاضی اقدام به انتخاب یک نوع مجازات مشترک (حبس) در میان مجازات‌های قانونی نماید تا امکان تشدید آن وجود داشته باشد.

## ۲-۲- توجه به ارزش مورد حمایت قانون‌گذار

در برخی از این موارد نوع جرایم ارتكابی با یکدیگر متفاوت است. به نظر می‌رسد در این صورت می‌توان با توجه به نوع جرم ارتكابی به تعیین جرم اشد از جرم اخف پرداخت. اینکه رفتار مجرمانه صورت گرفته کدام یک از ارزش‌های مورد حمایت را نفی و یا زیر پا می‌گذارد می‌تواند در تعیین ملاک و معیار تشخیص جرایم شدید از اشد کمک نماید. جرایم در یک



تقسیم بندی کلی از حیث اینکه علیه کدام یک از ارزش‌های مورد حمایت بشری ارتکاب می‌یابد باید به سه دسته جرایم علیه اشخاص، جرایم علیه اموال و مالکیت و جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی تقسیم می‌گردند. (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲، ص ۱۶، الف) لذا میزان اهمیت و ارزشی که جامعه برای محافظت از ارزش‌های مورد حمایت خود در نظر می‌گیرد در تعیین اهمیت و شدت جرم ارتكابی موثر است. هر چند در بسیاری از موارد ملاک نوعی و ملاک شخصی با یکدیگر قابل انطباق است ولیکن مشخص است که تعیین میزان اهمیت ارزشهای مورد حمایت با ملاک نوعی قابل ارزیابی است. در این ملاک نوعی، جرایم علیه امنیت در صدر اهمیت و جرایم علیه اموال در پایین‌ترین درجه از اهمیت قرار دارد، پر واضح است که حمایت جامعه از ارزشهای مهمی مانند امنیت و جان و عرض و ناموس از ارزش مالی بیشتر است. لذا در صورتی که جرم علیه امنیت با جرم علیه اموال و مالیکت دارای مجازات یکسانی باشد، قطعاً از دید جامعه جرم علیه امنیت از اهمیت بالاتری برخوردار است. بنابراین با این معیار جرایم علیه امنیت از جرایم علیه اشخاص و جرایم علیه اشخاص از جرایم علیه اموال و مالکیت شدیدتر ارزیابی می‌گردد. واضح است که این ملاک به صورت کلی بیان گردیده است و ممکن است در مصادیق مختلف استثنائاتی نیز داشته باشد.

### ۳- مقایسه ملاک‌های تشدید جرم و ملاک‌های تشدید مجازات

همانگونه که در فوق، به آن اشاره شد؛ ملاک‌های تشدید جرم با ملاک‌های تشدید مجازات متفاوت است. مقصود از ملاک‌های تشدید جرم، مواردی است که با شدت بخشیدن به جنبه رفتاری جرم، عملاً عنصر مادی آن را مشدد می‌نماید. این تشدید ممکن است مبنای تشدید مجازات نیز قرار گیرد. به عبارت بهتر قانون‌گذار همیشه جنبه‌های تشدید جرم را مبنای تشدید مجازات قرار نمی‌دهد و ممکن است در مواردی تشدید جرم به تشدید مجازات منتهی نگردد. از سوی دیگر مبنای تشدید مجازات صرفاً عوامل تشدیدکننده عنصر مادی جرم نبوده و ممکن است عوامل مربوط به عنصر روانی مورد نظر قانون‌گذار باشد. در ادامه به ذکر و تحلیل برخی مصادیق مربوط به رابطه چهارگانه عوامل تشدید جرم با تشدید مجازات خواهیم پرداخت.

#### ۳-۱- عدم لحاظ عوامل واقعی تشدید کننده جرم در تشدید مجازات:

در برخی موارد قانون‌گذار برخی از عواملی را که عملاً باعث تشدید جرم می‌شوند در تعیین مجازات اشد لحاظ نمی‌کند. فهم اینکه کدام یک از عوامل تشدید کننده جرم می‌توانست به

عنوان عوامل تشدید مجازات نیز مورد نظر قانون‌گذار باشد و قانون‌گذار بنا بر ملاحظات آن عوامل را در تعیین شدت جرم لحاظ نکرده است؛ از مطالعه تطبیقی با حقوق سایر کشورها به دست می‌آید. به عنوان نمونه مطالعه جرم آدم ربایی در حقوق آمریکا و تطبیق آن با حقوق ایران، بسیار جالب توجه است. در قوانین کیفری آمریکا برخی عواملی که می‌تواند موجب تشدید جرم از آدم ربایی ساده به آدم ربایی مشدد شود ذکر گردیده است. به عنوان مثال، در حقوق این کشور طول مدت ربایش، عاملی موثر در تعیین میزان مجازات است. قطعاً آدم ربایی که بزه‌دیده خود را کمتر از ۱ هفته آزاد می‌کند، نسبت به دیگری که بزه‌دیده را بیش از ۱ سال در گروگان خود نگه می‌دارد، جرم خفیف‌تری مرتکب شده است. در قانون کیفری آمریکا مربوط به جرم آدم ربایی چنین آمده است: «اگر بزه‌دیده قبل از یک ماه از شروع ربایش آزاد نشود، مجازات ۲ درجه و اگر قبل از یک هفته آزاد نشود، مجازات ۱ درجه افزایش خواهد یافت.<sup>۱</sup>» (۲۰۱۵) GUIDELINES COMMISSION SENTENCING STATES UNITED (MANUAL, چنین عاملی هیچ‌گاه از نظر قانون‌گذار ما مبنای افزایش مجازات جرم موضوع ماده ۶۲۱ قانون تعزیرات قرار نگرفته است؛ در حالی که تأثیر فاکتور فوق در تشدید جرم، امری بدیهی و مبرهن است. بنابراین عامل واقعی تشدید آدم ربایی، به صورت موضوعی قانونی در نیامده و بالطبع تشدید مجازات را در پی نخواهد داشت.

### ۲-۳- عدم لحاظ عوامل قانونی تشدیدکننده جرم در تشدید مجازات:

در بسیاری از موارد، نقش عوامل قانونی در تشدید مجازات مشخص یا برجسته نیست. شاید ابتداءً جمله فوق، نامأنوس جلوه کند؛ زیرا مگر می‌شود قانون‌گذار در حالی که عامل تشدید کننده‌ای را در متن ماده قانونی وارد کرده است از تأثیر آن در تشدید مجازات غافل مانده باشد؟ تحلیل دقیق ماده ۶۵۱ قانون مجازات اسلامی، مطلب فوق را برای ما روشن می‌سازد. در این ماده قانونی شرایط ۵ گانه‌ای برای تحقق جرم لازم است. عدم وجود هر یک از این شرایط جرم ارتكابی را موضوع مواد دیگر قرار خواهد داد. اما با دقت در برخی بندهای این ماده، متوجه خواهیم شد که قانون‌گذار نقش عوامل قانونی تشدیدکننده جرم در تشدید مجازات را نادیده گرفته یا مورد تصریح قرار نداده است. به عنوان مثال بند ۲ ماده در خصوص تعداد سارقین و

<sup>۱</sup> (A) If the victim was not released before thirty days had elapsed, increase by ۲ levels. (B) If the victim was not released before seven days had elapsed, increase by ۱ level.

بند ۳ در خصوص لزوم وجود اسلحه ظاهر یا مخفی سخن می‌گوید. پرسش اساسی در اینجا این است آیا تفاوتی میان ۲ یا ۱۰ سارق مسلح در تعیین مجازات وجود ندارد؟ و یا تفاوتی بین اسلحه ظاهر یا مخفی از حیث شدت بخشیدن به جرم نیست؟ همچنین اینکه آیا چه تعداد از سارقین دارای اسلحه ظاهر یا مخفی بوده اند، اهمیتی ندارد؟ قطعاً خواننده محترم تفاوت شدت فروض مختلف ماده را درک می‌کند. اما ظاهراً از نظر قانون‌گذار تفاوت‌های فوق تأثیری بر الزام قاضی بر انتخاب مجازات شدیدتر ندارد. گرچه دامنه مجازاتی ماده ۶۵۱، پنج تا ۲۰ سال حبس است و قاضی می‌تواند برای فروض شدیدتر جرم، مجازات شدیدتر (متماثل به حداکثر) را در نظر بگیرد. لیکن اولاً این اعمال مجازات شدیدتر، الزامی بر قاضی نبوده و وی می‌تواند علیرغم وجود عوامل تشدیدکننده در جرم ارتكابی، از لحاظ نمودن آن در تعیین میزان مجازات صرفنظر کند. ثانیاً هیچ‌گونه الگویی برای محاسبه وزن و ضریب عوامل فوق، پیش روی قاضی قرار ندارد. در نتیجه آنچه قانوناً فاکتور تشدیدکننده جرم محسوب می‌شود، در تعیین مجازات اشد، لحاظ نمی‌شود.

### ۳-۳- لحاظ عوامل قانونی تشدیدکننده جرم در تعیین مجازات اشد:

گفته شد که برخی عوامل موجب تشدید مجازات می‌شوند، بدون آنکه عملاً موجب تشدید عنصر قانونی جرم گردند. روشن‌ترین مثال‌ها در این خصوص معطوف به مواردی است که قانون‌گذار صرف داشتن انگیزه‌ای خاص را عاملی برای تشدید مجازات می‌داند. البته ممکن است در برخی حالات انگیزه در روش ارتکاب جرم نیز تأثیر گذاشته و جرم ارتكابی به خاطر وجود یک انگیزه خاص، شدیدتر شده باشد. به عنوان مثال قتل با انگیزه نژادپرستی ممکن است فجیع‌تر از قتل‌های عادی صورت گیرد؛ لیکن این ملازمه همیشه برقرار نیست و در بسیاری از حالات، انگیزه هیچ‌گونه تأثیری در شکل ارتكابی جرم ندارد. به عنوان نمونه جرم موضوع ماده ۵۰۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) که درخصوص «تحریک موثر به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی» است؛ اگر با قصد (انگیزه) «براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن» باشد، مجازات محاربه دارد و اگر چنین انگیزه‌ای وجود نداشته باشد، مرتکب، محارب محسوب نمی‌شود. پر واضح است که موثر بودن تحریکی که به قصد عصیان، فرار یا تسلیم صورت می‌گیرد، چه با انگیزه براندازی حکومت باشد چه نباشد، شرط لازم برای تحقق جرم موضوع ماده ۵۰۴ است. بنابراین انگیزه مرتکب هیچ تأثیری در موثر بودن تحریک ندارد. نتیجه اینکه برخی افراد به صرف داشتن انگیزه و بدون اینکه آن انگیزه نمودی در شکل

ارتكابی جرم داشته باشد، مستوجب مجازات شدیدتر هستند. حتی در برخی موارد قانون‌گذار به جنبه تشدیدى عنصر مادی اصلاً توجهی نداشته و صرفاً عنصر روانی را مبنای تعیین مجازات قرار داده است. به عنوان مثال در ماده ۵۱۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) اغوا و تحریک مردم به قتل و کشتار، اگر با انگیزه بر هم زدن امنیت باشد، موجب مجازات ۱ تا ۵ سال حبس است. در خصوص جرم موضوع ماده ۵۱۱، نتیجه جرم که بخشی از رکن مادی جرم است، اساساً اهمیتی ندارد و قتل و کشتار مذکور خواه به نتیجه برسد یا خیر از نظر قانون‌گذار اهمیتی ندارد.

#### ۴-۳- عدم لحاظ عوامل تشدیدکننده مجازات در تعیین مجازات اشد:

در برخی موارد نیز قانون‌گذار سهواً یا از روی آگاهی عوامل تشدیدکننده عنصر روانی جرم را در تعیین مجازات اشد لحاظ نکرده است. به عنوان مثال مطالعه تبصره مواد ۶۷۵ و ۶۲۱ ما را به این مطلب رهنمون می‌سازد که درحالی‌که مجازات «آدم ربایی مشدد» و «احراق عمدی به قصد مقابله با نظام» بیش از آدم ربایی ساده و احراق عمدی بدون قصد مقاله با نظام است؛ لیکن در تبصره مواد فوق‌الذکر قانون‌گذار تفاوتی در شروع به جرایم ساده و مشدد قائل نشده است. این موضوع نشان می‌دهد قانون‌گذار نقش عنصر روانی در شروع به برخی جرایم را نادیده گرفته و از نظر وی چنین فاکتوری مشدده محسوب نمی‌شود.

### نتیجه‌گیری

مقایسه مجازات‌های مقرر قانونی با یکدیگر از حیث شدت و یا خفت میزان مجازات‌ها ابتدایی‌ترین و ساده‌ترین روش در شناخت جرایم شدید از اشد و یا جرایم خفیف از اخف است. این ملاک در مقایسه بسیاری از جرایم با یکدیگر راهگشاست ولیکن در مواردی نیز امکان این مقایسه منتفی است. ضمن اینکه توجه به سایر جنبه‌های جرایم ارتكابی می‌تواند در شناسایی جرایم شدید از اشد موثر افتد. این مقاله با نگاهی تحلیلی به بازشناختی جرایم شدید از اشد پرداخته و در یک تقسیم‌بندی ابداعی، اشکال تشدید جرم و ملاک‌های تشخیص جرایم شدید از اشد را بررسی نموده است. از سویی نگارندگان ضرورت پرداختن به عوامل تشدیدکننده مجازات و تفکیک آن از عوامل تشدیدکننده جرم را نادیده نگرفته و در بند جداگانه این دو دسته از فاکتورها را مورد مقایسه قرار داده‌اند. آنچه می‌توان به عنوان نتیجه‌گیری از نوشتار حاضر مرقوم کرد معطوف به دو حوزه است. حوزه اول در مقام تبیین موضع قانون‌گذار و حوزه

دوم ناظر بر انتقاداتی است که به قانون‌گذاری کیفری ایران وارد بوده و پیشنهادهاتی که می‌توان در این حوزه برای اصلاح قوانین ارائه داد. در خصوص حوزه اول لازم به ذکر است، آنچه ما شاهد آن بودیم تفکیک جرایم حدی و تعزیری از حیث عوامل تشدیدکننده جرم و سیاست-گذاری افتراقی قانون‌گذار نسبت به این دو دسته از جرایم است. آنچه مشخص است ثابت و غیرمتعین بودن حدود باعث می‌شود دست قانون‌گذار در احصاء عوامل تشدیدکننده و تعیین جرایم اشد از شدید بسته باشد؛ در مقابل عوامل تشدیدکننده جرایم تعزیری، نوعاً از سوی خود قانون‌گذار احصاء و تعیین می‌شود. در خصوص حوزه دوم نیز باید گفت قانون‌گذار برخی مواقع، در احصاء عوامل واقعی تشدیدکننده جرایم و تبدیل آن به عوامل قانونی دچار غفلت شده است؛ زیرا آنچه در عمل جنبه مادی برخی جرایم را تشدید می‌کند، از نظر قانون‌گذار اهمیتی ندارد؛ از اینرو شایسته است قانون‌گذار با مطالعه تطبیقی در حقوق سایر کشورها؛ مخصوصاً کشورهای با نظام حقوقی کامن لا که پویایی قوانین کیفری آن مبتنی بر آزمون تجربی و بازخوردگیری از میزان کارآمدی آن قوانین است؛ عوامل واقعی تشدیدکننده جرایم را مورد شناسایی قرار داده و نسبت به وارد کردن این فاکتورها در قوانین جزایی اهتمام داشته باشد.

## منابع:

### الف) اسناد

- ۱- دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۹۰۰۰۵۴۱ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۳ صادره از شعبه دوم دیوان عالی کشور.
- ۲- دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۲۱۳۱۳۰۰۴۶۴ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۲ شعبه ۶۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.
- ۳- دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۳۹۰۱۶۴۱ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۳ صادره از شعبه ۳۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
- ۴- نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۱۵۴۰ - ۱۳۹۲/۸/۱۴ اداره حقوقی قوه قضاییه.

### ب) کتب و مقالات

- ۵- پژوهشگاه قوه قضاییه (۱۳۹۵)، «مجموعه آرای قضایی شعب دیوان عالی کشور (کیفری)»، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- ۶- جعفری، مجتبی (۱۳۹۲)، «تعدد جرم و آثار آن در قانون جدید مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)»، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره پنجم، زمستان ۱۳۹۲، ص ۱۷۵-۱۹۶.

- ۷- جوانمردی، محمد(۱۳۹۳)، «جرایم بورسی موضوع بند ۳ ماده ۴۹ قانون بازار اوراق بهادار»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق(ع).
- ۸- حسینی، سید محمد(۱۳۸۷)، «حدود و تعزیرات (قلمرو، انواع، احکام)»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۱، بهار ۱۳۸۷، ص ۱۴۵-۱۲۵.
- ۹- عبداللهی، اسماعیل(۱۳۷۲)، «تشدید مجازات در حقوق کیفری ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۰- فروغی، فضل‌الله(۱۳۸۳)، «جرایم قابل گذشت در حقوق ایران»، مجله علوم اجتماعی و انسانی، دوره ۲۱، شماره ۲، ص ۱۷-۲۴.
- ۱۱- کاظمی، جواد(۱۳۴۷)، «مسالك الأفهام إلى آیات الأحكام»، جلد ۲، سوق بین الحرمین الشیخ عبد الکریم التبریزی، چاپ حیدری.
- ۱۲- مرعشی، محمد حسن، معاونت در جرم، تقریرات درس، دوره دکتری حقوق جزاء، مدرسه عالی شهید مطهری.
- ۱۳- معاونت حقوقی ریاست جمهوری (۱۳۹۵)، «مجموعه آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور»، ج ۱، تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات.
- ۱۴- موسوی بجنوردی، سید محمد(۱۳۸۲)، «معاونت در جرم»، پژوهشنامه متین، شماره ۱۸، ص ۳-۱۶.
- ۱۵- میرمحمد صادقی، حسین(۱۳۹۲)، «جرایم علیه اشخاص»، تهران: نشر میزان، الف.
- ۱۶- میرمحمد صادقی، حسین(۱۳۹۲)، «جرایم علیه اموال و مالکیت»، تهران، نشر میزان، ب.
- ۱۷- نجفی ابرندآبادی، علی حسین(۱۳۸۵)، «جزوه مباحثی در علوم جنایی» تقریرات، بخش ۲۷.
- ۱۸- نوبهار، رحیم(۱۳۹۲)، «جستاری در مبانی تقسیم بندی حد- تعزیر در فقه کیفری اسلام»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۶۳، ص ۲۱۳-۲۵۴.
- ۱۹- Graham Wright and Jane Hill, VICTIMS, CRIME AND CRIMINAL JUSTICE, in: John Muncie, David Wilson, STUDENT HANDBOOK OF CRIMINAL JUSTICE AND CRIMINOLOGY (۲۰۰۴), London: Cavendish.
- ۲۰- UNITED STATES SENTENCING COMMISSION GUIDELINES MANUAL, November ۱, ۲۰۱۵; in: <https://www.ussc.gov/guidelines>